



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۰

رفعت حسینی

شاعران پارسی زبانرا قلم بشکنید!

این حکم هیئت دادگران در محکمهء عقل و خردمندی می باشد.

یک/

از شاعران **بزرگ** در لسان پارسی، انوری ابیوردی را { **ساخته و پرداخته** } و احمقان جغرافیای ایران/ افغانستان/ تاجیکستان به انوری سرتعظیم و سجده فرود آورده اند. انوری در سرش بجای مغز، خودش، مرداری را جاگزین ساخته بود. در جامعه بیکه خرافهء وابسته به تبار لسان پارسی، دران شادمانه زندگی می نمود، اورگ های بدنش (ازناف بپایین) را می پنداند و قلقله می کرد:

هرکه او دل نهد به مهر زنان

گردن او سزای تیغ بود

بدترین مرد اندرین عالم

به بهینه زنان دریغ بود

انوری

دو/

قابوس نامه کتابی است پندی در آیین زندگی، تألیف امیر عصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار.

درین کتاب نصیحت گری عصرالمعالی بی فرهنگ می دلنگاند:

د پانو شمیره: له 1 تر 3

آن که را دختر است جای پسر
گرچه شاهست، است بد اختر

سه/

به یک مرد کودن، سنایی غزنوی، لقب حکیم را ، آنانیکه فقط در اندیشهء گوز زدن و بلغم تف کردن در زندگی اجتماعی خویش هستند، پرتاب نموده اند. فاصله سنایی و حکمت(وآنهم سنایی از غزنهء پایگاه ستمگری محمود امردباز)، از کره زمین تا عطار دور است.
حکیم غزنه با فطرت مردار چنین مرداری پر غوغا می زند:

(قق مخفف ققاع: آب جو

و باز می گوید:

حمله با شیرمرد همراه است
حیله کار زن است و روباه است

....

چار/

حزب خلق بانو و مرد (بی گناه) را بندی کرد، شکنجه داد و کشت.

محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی و عبدالله نابی در عصر خاک سیاری بی گنهان شعر سرودند!

الف.

بیرنگ کوهدامنی زمانی که قوای سرخ روسی به افغانستان هجوم آورد، به تاریخ 27 جدی سال 1358 هجوم نیرو های سرخ را ستود و چنین استقبال نمود:

پس از چندین سیه روزی - پس از چندین شکیبایی

ببین روزان گل باران - نگر شب های رویا یی

چه شبهایی که سر کردیم - بی آواز و بی پرواز

خوش این آواز و این پرواز - و این شور و شگوفایی

درخت آرزو دیگر - شگوفان است و بار آور

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

و عبدالله نایبی پس از نعره <دودی کورکالی> این شعر انقلاب ثوری را سرود و جایزه نوبل ادبیات را بدست آورد:

درو آتشین به راهیان انقلاب!
درو بر شما! سپاهیان انقلاب!
شما که با درفش سرخ حزب تان
به جنگ بی امان می روید....
درو بر شما فدائیان انقلاب
شما ز گرمی فضای دوستان
ز ناز شوخ دختران شهر تان
بریده این
شما دگر حماسه های انقلاب می شوید
شما دگر فراز قله های آسمانی وطن
ستاره های بی نقاب می شوید
شما دگر نگاه آفتاب می شوید
درو بر شما! سپاهیان انقلاب
شما به روی لوح مرمرین حزب قهرمان تان.

سده هاست که از خیرات سرشاعران شعر پارسی ، دشت های خاکستان افغانستان گُل
و گلزار است.